



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَيْهِ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمَعِينٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال العلي الحكيم ووصي النبي الكريم: من اقتبس علما من علوم النجوم من حملة القرآن إزداد به إيمانا و يقينا

هفته نامه

راه آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تحجیم اسلامی

تهیه و تدوین: پژوهشگر علوم نجوم و تقویم و تحجیم بنیاد حیات اعلی

هفته نامه راه آسمان شماره: هجدهم

۸ محرم الحرام ۱۴۲۸ = ۷ بهمن ۱۳۸۵ = ۲۷ ژانویه ۲۰۰۷

احترام عزای عاشورای محرم

درباره رویکرد شایسته و بایسته نسبت به **عاشورای محرم**؛ میان مسلمانان پیرو اهل بیت (علیهم السلام) و برخی از فرق مسلمین تفاوت فاحش و آشکار بلکه تناقض و تضادی دیده می شود، بطوریکه هیچ وجه جمع و یگانگی بدست نیامده است، از جمله این رویکردها عیدقرار دادن و روزه گرفتن عاشورای محرم می باشد، که با عقیده عموم مسلمین مبنی بر ولایت و محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله منافات دارد، موضع استدلال این فرقه روایتی است که ما در اینجا به بررسی آن می پردازیم و نشان می دهیم که چگونه **جهل و ضعف اطلاع به دانش تقویم سبب این برداشت غلط از این روایت شده و** موجب جدایی این فرقه از عموم مسلمین در رویکرد با **عاشورای محرم** شده است. از آنجا که موضوع تخصصی هفته نامه **راه آسمان** دانشهای تقویم و نجوم و تنجیم بوده، ما با پژوهشی **نجومی تقویمی** این اختلاف را برای اهل درایت و دانش برطرف کرده و در نتیجه **بخوبی واضح** می شود که **عاشورای محرم** هنگام عید و تبریک و شادی و روزه شکرانه نبوده، و آنچه در روایت مذکور یاد شده؛ همان **عاشورای یهود** است که در وقت دیگری غیر از ماه محرم بوده است.

عاشورای یهود

سؤال: عمریان در کتابهای خودشان روایتی را آورده و به ابن عباس

نسبت داده اند که او گفته است: رسول خدا ﷺ وقتی (در هجرت) به

مدینه رسیدند؛ روز عاشوراء بود و دیدند که یهودیان روزه اند؛ حضرت

پرسیدند این (روزه گرفتن) برای چیست؟ گفتند: این روزی است که در آن

خداوند فرعون را غرق فرمود و موسی ﷺ را نجات داد، پیامبر ﷺ

فرمودند: من به موسی ﷺ سزاوارترم؛ سپس رسول الله ﷺ به روزه گرفتن

این روز دستور فرمود. این روایت را مهمترین کتابهای آنها (صحیح بخاری و

صحیح مسلم) هم نقل کرده اند و آنرا صحیح دانسته اند، در مقابل آنهایی که

عقیده شان بر خلاف اینها بوده؛ به تکذیب متن و سند آن پرداخته اند؛ می

خواستم بدانم که آیا روزه گرفتن روز عاشورا حکمش چگونه است؟ و آیا

روز ورود پیامبر ﷺ به مدینه عید است؟ و آیا روزه اش چه حکمی

دارد؟



جواب: با ملاحظه و تأمل در نکته های زیر؛ ان شاء الله پاسخ لازم را خواهید یافت:

۱- هر چند کتابهای عمریان و روایات آنها مملوّ از کلمات مجعول و محرف می باشد؛ ولی گاهی احادیث صحیحی هم در آنها آمده است.

۲- در اینجا در مقام تصحیح و یا قبول احادیث مورد ادعای عمریان نیستیم، ولی بسیار می شود که با بذل تأمل لازم؛ مطلب چنان واضح می شود که نوبت به ردّ فکر محرف از طریق بیان اشکال در سند حدیث نمی رسد.

۳- در فهم و تبیین احادیث اگر صرفاً به بررسی قطعه ای اکتفا نشود؛ بلکه فضای آن کلام ابتدا مورد تفقه قرار گیرد؛ هم به مقصود آن بهتر نزدیک شده و هم نوبت به تردید یا انکار اصل آن کلام نرسیده و اصلاً نیازی به آن نیست.

۴- شکی نیست که آنچه میان عمریان (در باب عید بودن روز عاشورای ماه محرم و اهمیت روزه آن) شایع است و به عنوان و نسبت دروغ به سنت

پیامبر ﷺ بر آن ملتزمند؛ باطل محض بوده و صرفاً تحریفی است که ناشی از سیطره حکومت و فرهنگ ناصبیان و دشمنان پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) بر افکار عامه مسلمانان می باشد .

۵- حدیثی که ذکر کردید؛ از نظر مدرک و سند برای عمریان بسیار معتبر و مورد احترام است، اگر مطابق عقیده آنها؛ ما هم فرض را بر صحت سند و نسبت آن بگذاریم و هیچ بررسی در راستگویی راویان و ناقلان آن نکرده؛ و راجع به شواهد معمول یا محرف بودن آن هیچ صحبتی نکنیم؛ با کمی تأمل در فضای آن حدیث؛ و تنها با دقت در نتیجه محاسبات تاریخی واقعه مذکور؛ بخوبی و وضوح می بینیم که عید بودن عاشورای محرم و فضیلت روزه آن اصلاً مفاد و ماحصل این کلام نبوده؛ و این نیست الا دروغی آشکار و جعل و خلطی پدیدار . بلکه خود این حدیث بهترین دلیل بر بطلان عقیده و عادت عمریان در باب عاشورای محرم بوده؛ و بارزترین گواه بر نحوه تحریف رؤسای ایشان در عقاید و عادات مسلمین است، و شاهد و نمونه خوبی برای لزوم تفقه در شأن صدور احادیث و درک فضای آنها می باشد .

۶- اقتضای قفاهت این است که با دیدن عنوان و اصطلاحی (مانند عاشورا) آنرا فوراً بر ذهنیت رایج خودمان حمل و تفسیر نماییم، و باید بدانیم که در اصطلاح احادیث سه نوع عاشورا بکار برده شده است؛ یکی عاشورای یهود که مورد اشاره در همین داستان است؛ دیگری عاشورای تاریخ نسیئ که دهم محرم غیر واقعی و تغییر یافته بر حسب فصول سال می باشد که با مرور سالها موضع ماه نسیئ از موضع حقیقیش تغییر می کرد، و این نوع تاریخ میان مشرکین متداول بوده و توسط اسلام منسوخ گردیده ولی تا ساهای بسیار پس از نسخ آن؛ باز در میان اعراب مطرح بوده است، و نوع سوم عاشورای محرم واقعی است، و با کمی تأمل؛ به خوبی واضح است که اصلاً عاشورای مورد اشاره در آن داستان؛ و منظور از تعبیر عاشورا در حدیث مذکور؛ عاشورای محرم نبوده، بلکه همان عاشورای یهود می باشد .

۷- مناسب است بدانید که در تقویم یهودیان (از گذشته تا به امروز) ماههایشان قمری و سالشان شمسی است، ماه اول سال آنها ماه تیشری می باشد و اولین روز سال آنها اول تیشری است که تقریباً مصادف با اواسط

برج سنبله و شهرپور و اوایل سپتامبر مسیحی است، و روز دهم از اولین ماه سال یهودی عاشورای یهود است، که آنرا یوم کیپور می نامند و روزه واجب و بزرگ و مهم یهودیان در این روز است، و این تنها روزه ای است که بنا به ادعای یهود در زمان خود حضرت موسی عليه السلام؛ بر ایشان تشریع شده است؛ و حتی برای یهودی تارك آن؛ حکم قتل داده اند، و روزه های دیگرشان پس از حضرت موسی عليه السلام متداول شده و نزد ایشان مستحب است، و آنچه در کتابهای عمریان (بخاری و مسلم) از سیره یهودیان مبنی بر عید گرفتن یهود در عاشورا نقل شده؛ منظور همین عاشورای یهود است.

۸- در باره تاریخ ورود حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه در هجرت مبارکشان؛ هر چند در تاریخ دقیقش اختلاف است؛ ولی همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که در حدود ماه ربیع الأول بوده است، و این حدیث مورد بحث نیز صراحت دارد که: پیامبر صلی الله علیه و آله در هجرت که در ماه ربیع اول بود؛ وقتی وارد مدینه شدند؛ که یهودیان عاشورایشان بود و روزه رفته بودند، پس اگر مراد از عاشورای مذکور در این حدیث عاشورای محرم بود؛

یعنی اینکه دهم محرم در ماه ربیع الأول واقع شده است!!! و پر واضح است که حرف پوچ و نامعقولی است، و یا اینکه باید قائل شوند که هجرت پیامبر ﷺ در ماه محرم واقع گردیده؛ و این نیز نزد جمیع مسلمانان مردود است، و با توجه به این نکته می بینیم که منظور از لفظ **عاشورا** در این حدیث همان **عاشورای یهود** است، نه عاشورای محرم.

۹- بنا بر این مورد استحباب روزه (به فرض صحت اصل حدیث) روز عاشورای یهودیان بوده که اگر محاسبه دقیق بنماییم **عاشورای یهود** (دهم تیشری) در تاریخ هجرت؛ مصادف با ۹ ربیع الأول سال اول هجری می باشد، بنا بر این در صورت قبول این حدیث می فهمیم که پیامبر ﷺ روز ورودشان (۹ ربیع الأول) را که مصادف با دهم تیشری (**عاشورای یهود**) بود عید قرار دادند و این روز را روزه گرفتند.

۱۰- لذا مورد روزه این روز (**عاشورای عمریان**) یا باید بر اساس تقویم یهود و در عاشورای یهودی باشد؛ که مصادف با برج سنبله و شهریور خورشیدی و سپتامبر مسیحی است؛ و یا بر اساس تقویم هجری قمری

باشد که در **۹ ربیع الأول** واقع می باشد؛ که طبیعتاً همین اخیر باید باشد؛ چون دستورات اسلامی بر اساس تقویم هجری قمری است نه تقویم یهودی، و این به هر حال دو ماه پس از عاشورای محرم است.

۱۱- و فضیلت روزه این روز؛ بخاطر **۹ ربیع الأول** بودنش می باشد؛ و این چند جهت دارد:

اول: بخاطر ویژگی این تاریخ (**۹ ربیع الأول**) در مکتب وحی که به عید بزرگ محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ موسوم شده؛ و در محل خودش شرح فضایلش آمده است.

دوم: بخاطر اینکه روز ورود و تشریف فرمایی حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حضرت مولا علی عَلِيٌّ به مدینه منوره بوده است.

سوم: بجهت شروع تاریخ دولت و جامعه اسلامی و توحیدی بدست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این روز می باشد.

۱۲- امویان و ناصبیان که دشمنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت (علیهم السلام) بوده اند؛ پس از بار آوردن **فجاج کربلا**؛ **عاشورای محرم** را عید همیشگی

خود قرار داده و جشن گرفتند، و دستور به برگزاری هر ساله جشن و عید و نیز روزه گرفتن دادند؛ بجهت شکرانه (نعوذ بالله) قتل حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران (علیهم السلام). و برای ترویج این تحریف و بدعت؛ جااعلان حدیث و ژاژگویان را بکار گرفتند، و تا به امروز این برنامه شنیع را برپا داشته و این روز را روز عید و شادی و تبرک و تبریک و روزه می شمرده، و عبارات و تعابیر مربوط به **عاشورای یهود** را در عاشورای مسلمین بکار بردند. لعنهم الله تعالى .

۱۳- نکته قابل توجه اینکه: (در صورت اطلاع از عقاید و شریعت یهود) می بینیم که دهم تیشری که **عاشورای یهود** است و روزه بزرگ ایشان می باشد؛ این روزه بجهت کفاره گوساله پرستی شان بر ایشان فرض شده است؛ که سالها پس از نجات از مصر بوده؛ و اما روز نجات از مصر که نزد ایشان عید بزرگ پسخ (فصح) نامیده می شود؛ و تاریخش اولین شب بدر بعد از اول بهار و نوروز است که در ماه نیسان ایشان واقع است، و این روز با روز **عاشورای یهود** (دهم تیشری) حدود شش ماه فاصله دارد؛ لذا علت

روزه بودن یهود در روز ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به مدینه (۹ ربیع اول = ۱۰ تیشری) در حقیقت روزه کفاره گوساله پرستی شان بوده؛ نه پیروزی بر فرعون و نجات از ظلم و سیطره او.

۱۴- بنا بر این روایت؛ آنچه یهود برخلاف واقع در جواب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به عنوان دلیل روزه شان گفته اند (نجات از مصر)؛ از دو حال خارج نیست: **احتمال اول:** اینکه در واقع دروغی بوده است برای آبروداری خودشان؛ که خواسته اند بدین نحو نشانه گوساله پرستیشان را بپوشانند؛ و الا روز نجات از مصر که شش ماه حدودا با این تاریخ فاصله دارد؛ و ربطی به تاریخ هجرت و ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به مدینه ندارد. ولی این احتمال هر چند با روایات یهود منافاتی ندارد؛ اما از نظر عملی بودن و نتیجه بخشی آن بعید است، چون هر دو روز (**عاشورای یهود و عید پسخ**) آن چنان بزرگ و معروف بوده که اطلاع از آن منحصر به یهود نبوده؛ و اطلاع مجاورانشان (عرب مدینه) از آن طبیعی بوده است، فلذا مشکل می شده که آنرا بطور علنی و آشکار در حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مخلوط یا جعل کنند.

احتمال دوم: اینکه این خود ناصیان بوده اند که جعل و خلط کرده اند؛ و در حقیقت هنگام جعل و وضع داستان؛ یا به علت جهالتشان؛ بطور ناشیانه مرتکب مخلوط کردن مطالبی شده اند؛ و یا بخاطر جهالت اتباعشان که دیده اند متوجه این تحریف نمی شوند؛ عمدا این خلط و جعل را کرده اند؛ و این قول غلط در علت روزه بودن یهود را بطور حساب شده به یهود نسبت داده اند، چون از طرفی نمی توانسته اند ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به مدینه و ۹ ربیع اول بودنش را انکار کنند، و از طرفی عید بودن ۹ ربیع الأول را می خواسته اند پوشانند؛ و همچنین مانع رواج عید شدن روز ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به مدینه و رواج این عید میان مسلمانان بشوند؛ و هم اینکه می خواسته اند روز جنایت بزرگشان در تاریخ **(عاشورای محرم)** را به عنوان عید معرفی کنند، لذا آمده اند داستان هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و ورودشان با حضرت مولا عَلَيْهِ السَّلَام به مدینه که در ۹ ربیع اول بوده است را؛ با ذکر مصادف تاریخی آن نزد یهود یعنی ۱۰ تیشری؛ و تحریف دلیل روزه و عید بودنش را به روز نجات از مصر روز فصح که نزد یهود عید نجات از مصر بوده (و

چون به عقیده نصاری و یهود مصلوب شدن مسیح عَلَيْهِ السَّلَام هم در این تاریخ بوده؛ لذا پس از آن این روز را یهود عید دیگری هم تلقی کردند چون روز قتل ناسخ دین یهود بود؛ و نصاری عید دانستند که روز قربانی شدن مسیح عَلَيْهِ السَّلَام بخاطر نجات بشریت می باشد؛ لذا ناصبیان با مخلوط کردن این تواریخ و مناسبتها می توانستند که از پس زمینه های فکری این ایام نیز استفاده کنند؛ و بیشتر و عمیقتر بتوانند عید بودن **عاشورای محرم** را در میان مسلمانان نا آشنا با حقایق تاریخی جایاندازند؛ و همچنانکه روز پسخ (فصح) هم عید برای پیروان قاتل است هم عید برای پیروان مقتول؛ با خلط عاشورای یهود به عاشورای محرم بود؛ خواسته اند روز جنایت بزرگ تاریخ بشریت (**عاشورای محرم**) را در اذهان عامه مسلمین به صورت عید و روز مبارك و روز روزه گرفتن جا بیاندازند؛ خصوصا که برای مسلمانان نوعا ایام روزه مستحب با اعیاد تناسب دارد. لعنهم الله تعالى واخراهم.

۱۵- آنچه در روایت مذکور آمده بود که: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: من به موسی عَلَيْهِ السَّلَام سزاوارترم؛ پس رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به روزه گرفتن این روز دستور

فرمود. دو وجه در معنای آن به نظر می رسد:

اول: اینکه چون یهود سبب روزه گرفتنشان را روز نجات حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ذکر کردند؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ با جمله: من سزاوارتم به موسی عَلَيْهِ السَّلَام؛ خواسته باشند بفهمانند که: من وارث حقیقی موسی و در حقیقت موسای زمان هستم؛ لذا اینکه من این روز را روزه بگیرم سزاوارتر است.

دوم: یا اینکه منظورشان این بوده اگر روز نجات موسی عَلَيْهِ السَّلَام از فرعونیان مصر جای عید بودن و روزه گرفتن دارد؛ پس امروز که روز ورودم به مدینه و استقبال مردم مدینه و اعلام التزام و پشتیبانیشان از من است، و با تحقق این مرحله است که من نجات از مشرکان مکه پیدا کرده ام، و چونکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زمان هستم؛ من سزاوارترم از موسی عَلَيْهِ السَّلَام به این تجلیل و بزرگداشت؛ لذا این روز را عید و روزه می گیریم. و در صورت صحت این روایت؛ نتیجه عملی هر دو وجه در معنای آن؛ یکی بوده که: همان عید بودن و روزه داشتن روز ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و حضرت مولا علی عَلَيْهِ السَّلَام به شهر مدینه در سفر هجرت در تاریخ نهم ربیع الأول است.

۱۶- نتیجه: روز عاشورای محرم؛ روز عزای تمام پاک نهادان و پاک

طینتان است؛ و روزه آن صحیح نیست؛ هر چند امساک از خوردن و

نوشیدن در این روز تا پس از عصر؛ نوعی همراهی با حضرت اباعبدالله

الحسین علیه السلام و اهل بیت و یارانشان بوده؛ و عملی بسیار پسندیده؛ و شرعا

مستحب می باشد .

اما روز ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و شروع تأسیس جامعه توحیدی؛ (چه

اینکه در تاریخ ۹ ربیع الأول باشد؛ و یا در روزهای دیگر) قطعا از

بزرگترین روزهای تاریخ اسلام بوده و عید مهمی می باشد؛ و روزه آن هم

استحباب دارد .



پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۲۸

www.Aelaa.net

tanjim@aelaa.net

nojum@aelaa.net

taqwim@aelaa.net

والحمد لله رب العالمین